

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هشتم، شماره اول، پیاپی (۲۴)، بهار ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۴

صص ۵۸ - ۲۹

بررسی رابطه بین شبکه مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کاشان)

محسن نیازی^۱، عباس بحری پور^{۲*}

چکیده

امنیت اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین تمهیدات در راستای حفظ حیات گروه‌های اجتماعی در مقابل قدرت برتر و انحصاری که نمایندگی آن را دولت به دوش می‌کشد و همچنین ایجاد زمینه‌ای برای برخورداری گروه‌های مختلف اجتماعی از فرصت‌ها، امکانات و تسهیلات به منظور دستیابی به اهداف کارکردی خویش مطرح شده است. هدف کلی این مقاله بررسی رابطه بین شبکه مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی شهروندان است. تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، در بین ساکنان ۱۸ سال و بالاتر شهرستان کاشان، در سال ۱۳۹۱ به انجام رسیده است. در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۲- کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول)

خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده و حجم نمونه مورد مطالعه ۳۶۲ نفر است که با توجه به توزیع ۴۰۰ نمونه‌ای از پرسشنامه تنها ۳۵۹ نفر از آن‌ها حاضر به پاسخگویی شدند که اطلاعات مورد نیاز از آن‌ها استخراج گردید. مهم‌ترین نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیرهای تحقیق نشان داد که؛ شبکه مشارکت شهروندان بر احساس امنیت اجتماعی آن‌ها تأثیر گذار است، بدین صورت که هرچه میزان مشارکت اجتماعی در سطح رسمی و غیر رسمی در جامعه بیشتر باشد به همان میزان احساس امنیت نیز بیشتر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی^۱، مشارکت اجتماعی^۲، شهروندان، کاشان.

بیان مسأله

فقدان یا اختلال در امنیت، پیامد و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی برای افراد و دولت‌ها به دنبال دارد. در همین رابطه، دولت‌ها و نظام‌های سیاسی سالانه بودجه‌های هنگفتی را هزینه می‌کنند (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۶۵). تحقیقات و نظرسنجی‌هایی که همه ساله از سوی دولت در سطح کشوری به اجرا در می‌آید، نمونه‌ای از آن است. نتیجه نظرخواهی مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مبین آن است که ۸۱ درصد از ایرانیان به گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند (کلاهیجان، ۱۳۸۴: ۱۵۴). در نظر سنجی دیگری که از سوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) در سال‌های ۱۳۸۳ (پیمایش اول) و ۱۳۸۴ (پیمایش دوم) در خصوص سنجش میزان امنیت اجتماعی مراکز استان‌های کشور صورت گرفته است، آمار به دست آمده نشان می‌دهد که احساس امنیت اجتماعی در ایران در وضعیت مطلوبی قرار ندارد (ناجا، ۱۳۸۳).

بی تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت، عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آن‌ها برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع از تحقق آن شده است. ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص امنیت اجتماعی از آنجا ناشی می‌شود که تهدیدات داخلی بالفعل و بالقوه در کشورهای کمتر توسعه یافته اغلب، امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می‌اندازد (خوشفر،

1- sense of social security

2- social participation

۱۳۸۷:۳). بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس ایمنی از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می‌رود و نقش بالایی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی دولت‌ها برخوردار است. در این راستا، مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی، فرایندی است که دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است (محسنی تبریزی، ۱۹۹۶: ۵۴) که امنیت می‌تواند یکی از مهم‌ترین این عرصه‌ها باشد. از آن جا که در چارچوب برنامه توسعه سیاسی، بر مشارکت روزافزون مردم به عنوان اعضای جامعه مدنی در همه زمینه‌ها تأکید می‌گردد، لذا مشارکت اجتماعی مردم می‌تواند کمکی به مقام‌های رسمی و دولتی در جهت مبارزه با ناامنی و برقراری امنیت باشد.

مقاله حاضر به دنبال آن است که تأثیر و نقش شبکه مشارکت اجتماعی بعنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی را در ارتباط با احساس امنیت اجتماعی شهروندان در جامعه توضیح داده و به این سؤال پاسخ دهد که آیا بهره‌مندی از سطوح تفاضلی مشارکت اجتماعی می‌تواند تبیین‌گر تفاوت در احساس امنیت اجتماعی افراد باشد یا خیر؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه نقش و اهمیت امنیت در پیشرفت هر جامعه‌ای تا بدان پایه است که آن را بستر و پیش‌نیاز هرگونه توسعه‌ای دانسته‌اند خصوصاً در جوامع در حال توسعه که با انواع بحران‌ها و چالش‌های مستمر ناشی از عقب ماندگی و بی‌ثباتی ساختارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره مواجه هستند، امنیت نقش تعیین‌کننده و مهمی در ایجاد انواع توسعه ایفا می‌نماید (چلیپی، ۱۳۷۲: ۲۵). همچنین رشد و شکوفایی استعدادها، خلاقیت‌ها و فعالیت‌های ارزشمند در یک جامعه بدون وجود امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. اصولاً انسان برای رسیدن به یک درجه موفقیت در زندگی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را شکل می‌دهد، نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد. نیاز به امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیک انسان به عنوان یکی از ساختارهای

اساسی و پایه‌ای تشکیل دهنده شخصیت فرد قلمداد می‌شود و تا زمانیکه فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند، هیچ پیشرفتی در طول ساختار شخصیتی خود نخواهد کرد (کلمن، ۱۳۷۷: ۸۰).

با توجه به این موضوع، امروزه دولت‌ها به عنوان متولیان اصلی برقرای نظم و امنیت اجتماعی در یک جامعه برای موفقیت در تأمین امنیت صرف نظر از اعمال قوانین کیفری و تقویت اقدامات پلیسی، باید عنصر مشارکت اجتماعی مردم را نیز مد نظر خود قرار بدهند. تشدید اعمال قوانین کیفری و سرمایه‌گذاری‌های همه‌جانبه دولت برای تعدیل احساس ناامنی، بدون در نظر گرفتن مشارکت اجتماعی مردم نتیجه مطلوبی به دنبال نخواهد داشت. در این راستا، هدف اساسی این تحقیق بررسی رابطه بین شبکه مشارکت اجتماعی با دو مؤلفه شبکه مشارکت رسمی و شبکه مشارکت غیررسمی با احساس امنیت اجتماعی شهروندان در جامعه آماری مورد مطالعه است.

پیشینه تحقیق

لایندستروم و همکاران^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی در محله اقدام نمودند. جمعیت آماری تحقیق را افراد ۲۰ تا ۸۰ سال شهر مالمو سوئد تشکیل داده و حجم نمونه در آن ۵۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. میزان مشارکت در این پیمایش ۷۱ درصد بوده (به عبارتی ۷۱ درصد از افراد، پرسش‌نامه‌ها را پاسخ داده و برگرداندند). در این مطالعه، سرمایه اجتماعی با توجه به عوامل فردی و محله‌ای سنجیده شده و منظور از عوامل محلی، شرکت در انتخابات شهری بوده است. نتایج نشان داد که عوامل محله‌ای ۷/۲ درصد از کل واریانس احساس ناامنی افراد را تبیین می‌کند. این تأثیر با وارد کردن عوامل فردی در مدل، کاهش یافته و به ۰/۷ درصد می‌رسید. در نهایت - با حذف عوامل فردی - سرمایه اجتماعی با توجه به مشارکت در انتخابات سنجیده شد و توانست تا حد زیادی (۷/۲) احساس ناامنی افراد را تبیین نماید.

1- Lindstrom, Martin; Merlo, Joan & Ostergren, Perolof

بر اساس تحقیقی که اکارت^۱ و کراین^۲ (۲۰۰۶) با عنوان «زیست پذیری، ناامنی، سرمایه اجتماعی و اعتماد در حکومت محلی» در هسلت یکی از شهرهای اصلی بلژیک انجام دادند یکی از ویژگی‌های خاص هسلت مدیریت ابتکاری آن با برنامه‌هایی برای ارتقاء و انباشت سرمایه اجتماعی در محله‌های شهری مختلف و نیز برنامه‌هایی برای افزایش مسئولیت مدیران از طریق تقاضای سکنه است. آنها در این پژوهش دریافتند «رابطه قوی بین احساس امنیت و سرمایه اجتماعی در میان ساکنان هسلت وجود دارد. بر اساس این تحقیق افرادی که بیشتر در جلسات همسایه‌ای شرکت کرده‌اند از احساس امنیت بالاتری برخوردارند (اکارت، کراین، ۲۰۰۶). آنها در بخشی از این پژوهش به مقایسه احساس امنیت در منطقه هسلت و منطقه شهری دیگری به نام کول ماین^۳ (پژوهشی که پیشتر انجام گرفته بود) پرداختند. آنها نتایج حاصل پژوهش خود را با نتایج پژوهش منطقه کول ماین مقایسه نمودند از جمله نتایج این تحقیق عبارت‌اند از اینکه منطقه محل سکونت افراد، بسیار بر احساس امنیت ایشان تأثیر گذار بوده است به عبارتی ویژگی‌های منطقه در خصوص عواملی چون صدای ترافیک و خشونت خیابانی بر احساس امنیت سکنه تأثیر گذار است. به علاوه با افزایش سطح سوار توجّه افراد به اتفاقات خیابانی و نیز اتفاقات سیاسی بیشتر می‌شود و به نظر می‌رسد احساس امنیت به موازات آن کاهش می‌یابد.

حسین هرسیج^۱ (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه مشارکت سیاسی و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی پرداخته است. روش تحقیق در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش پیمایشی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری را نیز شهروندان بالای هجده سال ساکن در مناطق چهارده گانه شهر اصفهان تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین نتایج حاصل از این تحقیق نشان داده است که همبستگی معناداری بین ابعاد مشارکت سیاسی با احساس امنیت اجتماعی وجود دارد.

غلامرضا خوشفر (۱۳۷۸) تحقیقی با عنوان بررسی مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی انجام داده است. این تحقیق به روش پیمایشی و برای ساکنان ۲۰ سال

1 Ackaert

2 Crean

3 Coal Main

به بالای مراکز شهرستان‌های استان مازندران به انجام رسیده است. نتایج حاکی از آن است که پاسخگویان در حد کم احساس امنیت می‌کنند، گرایش پاسخگویان نسبت به برقراری امنیت در حد کم است، کم‌ترین احساس امنیت در بعد جانی و بیشترین احساس امنیت در بعد امنیت مالی است. مشارکت در تأمین امنیت، طبقه اجتماعی و جنس بر احساس امنیت تأثیرگذار است. نبوی و دیگران (۱۳۸۹) عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر احساس امنیت اجتماعی را بررسی کردند. تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، در میان ساکنان ۱۶ سال و بالاتر شهرستان اهواز در سال ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. مهمترین نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیرهای تحقیق نشان داد که متغیرهای گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس و پایگاه اجتماعی - اقتصادی به صورت مستقیم، و متغیر احساس محرومیت نسبی به طور معکوس بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیرگذار هستند. متغیرهای تلقی از عملکرد قانون و جنسیت، تنها بر بعد امنیت جانی اثرگذار هستند.

باقر ساروخانی (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی (مؤلفه‌های آن) و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری پرداخته است. تحقیق به روش پیمایشی و اسنادی در بین جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر ساری انجام شده است. مهم‌ترین نتایج حاصل از این تحقیق نشان دهنده این مطلب است که بین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد.

حمداله نادری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. تحقیق به روش پیمایش و در بین ساکنان شهر اردبیل مطابق با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب و نمونه آماری ۲۵۱ نفر به انجام رسیده است. نتایج تفسیری این پژوهش بیانگر این است که هرچه میزان سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی در جامعه بیشتر باشد به همان میزان احساس امنیت نیز بیشتر خواهد بود. در تحلیل نهایی شاخص اعتماد اجتماعی بیشترین همبستگی را با احساس امنیت اجتماعی نشان داده است.

مبانی نظری پژوهش مشارکت اجتماعی

از حیث مفهومی واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیر فعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

از منظر جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵).

رحمان در تعریف مشارکت می‌نویسد «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینه سازمانی است که اعضاء با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به هدف‌هایشان هستند. در نتیجه مشارکت یک فرایند فعال است که هریک از مشارکت کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعالشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به مواردی اشاره می‌کند که از آن جمله است: ۱- مشارکت فعالیت سازمان یافته از طرف مردم متحد و متجانس که واحد اولیه آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛ ۲- مبادرت به کنش و عمل جمعی داشتن؛ ۳- تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیت‌ها داشتن؛ و ۴- نظارت بر فرایند مشارکت نمودن» (رحمان، ۱۹۹۳: ۱۵۰ به نقل از غفاری، ۱۳۸۰: ۷۰). برتون^۱ (۱۹۹۷) معتقد است که در میان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، دو عامل به طور خاص ارزشمند است؛ ویژگی‌های شخصی و فرصت‌های ساختاری. مقداری از مشارکت به وسیله عواملی چون سطح سواد، طبقه اجتماعی افراد، علائق مذهبی و انگیزه‌های شخصی تبیین می‌شود و فرصت مشارکت نیز، به دلیل آن که برای افراد متعلق به گروه‌های مختلف متفاوت است، میزان مشارکت را تعیین می‌کند (برتون، ۱۹۹۷: ۶). هلی^۲ (۱۹۹۷)

1- Berton

2- Helly

مشارکت اجتماعی افراد را با چند دسته از عوامل تبیین می‌کند:

۱- عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی، مانند پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد در جامعه، که باعث می‌شود وی هر فعالیت اجتماعی، یا به طور عادی هر راهبرد شخصی را که باعث پیشرفت نسبت به والدین، امید به اشتغال، آموزش و امید به آینده می‌شود مفید تلقی کند؛

۲- سطح تحصیلات؛

۳- گروه سنی؛

۴- جنسیت و سویه گیری جنسی؛

۵- زمینه خانوادگی شامل محل اقامت، میزان مشارکت والدین، وضعیت تأهل و محیط اجتماعی شدن.

او همچنین در مورد محرک‌های اجتماعی، با عواملی چون شناخت عامه از مهاجران، تنوع فرهنگی گروه‌هایی که با جامعه همکاری می‌کنند، پیکار با تبعیض، وسعت گروه‌های مرجع در ساختارهای اجتماعی، خط مشی‌های حمایت کننده و برنامه‌هایی برای فعالیت‌های قومی اشاره می‌کند. به عقیده او، به دلیل اینکه این فرصت‌ها برای وابستگی و فعالیت‌هایی مانند همیاری چندجانبه و کارهای داوطلبانه تعیین کننده است، می‌تواند خط مشی‌هایی را برای فعالیت‌های اجتماعی محلی و مخصوصاً افراد جوان فراهم کند (هلی، ۱۹۹۷: ۵-۶).

او کلی^۱ و مارسدن از مشارکت، سه تفسیر ارائه داده اند:

۱- شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی؛

۲- برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان آنان؛

۳- دخالت در فرایندهای تصمیم گیری، اجرا و سهم شدن عامه مردم در منافع طرح‌ها و ارزشیابی آن‌ها.

تفسیرهای مطرح شده توسط او کلی و مارسدن را از لحاظ اهمیت دادن به مردم و احقاق حقوق آنان، می‌توان در سه سطح مشارکت پایین (تفسیر اول)؛ مشارکت متوسط (تفسیر دوم)؛ و مشارکت بالا (تفسیر سوم) دسته بندی کرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۵). جیمز فریزر^۲ مشارکت را با

1- Oakley

2- James Frazer

توسل به انگیزه‌های اقتصادی و مادی، عامل کنش تعریف می‌کند؛ هرچند که معتقد است فرهنگ نیز می‌تواند در آن سهمی داشته باشد. بر اساس این دیدگاه، اگر رضایت متقابل حاصل نشود، هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فرد برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد. بها را معمولاً علاوه بر پاداش‌های بالقوه، کوششی می‌دانند که برای جلب رضایت به کار می‌رود. این نظریه بر مشارکت مبتنی بر اراده نیز تأکید دارد و معتقد است که رفتارهای روزمره به صورت پاسخی به خواهش‌ها و محاسبات فرد دیده می‌شود و هر قدر فرهنگ حالت مسلط داشته باشد، باز هم فرد از نیروی انتخاب برخوردار است (علفیان، ۱۳۷۹: ۹۱-۹۰).

رابرت پاتنام^۱ نیز معتقد است که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود (جاج، ۲۰۰۳: ۱). به باور پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت یافته را رواج داده و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را ممکن می‌سازند (پاتنام، ۱۹۹۵).

دانیل لرنر^۲ عواملی چون سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند و معتقد است که این متغیرها در جامعه مدرن بیشتر نمود دارند. وی از جامعه جدید به عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد (لرنر، ۱۹۶۴: ۵۷).

هانتینگتون و نلسون^۳ نیز مشارکت را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت مورد توجه قرار داده‌اند. به نظر آن‌ها دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند (هانتینگتون و نلسون، ۱۳۷۶).

اینگلهارت^۴ افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی

1- Robert Putnam

2- Daniel Lerner

3- Hantington & Nelson

4- Inghart

نسبت می‌دهد. به عقیده او این عوامل تأکید کمتری بر نیازهای آنی داشته و بیشتر بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۷۸). اینگلهارت علاوه بر عوامل یاد شده، رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت است، زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری است. این رویکرد تا حدودی به رویکرد آلموند و وربا^۱ شباهت دارد که در بحث «فرهنگ مدنی» اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک و تشکیل روابط ثانویه می‌دانند. اینگلهارت همچنین سرمایه اجتماعی را هم ارز اعتماد دانسته و معتقد است که سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مدارا است که به مدد آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه رشد می‌یابند. به اعتقاد او شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در وضعیت‌های مختلف از گروه ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل دهند و بدین وسیله بیشتر به یکدیگر اعتماد کنند (رز، ۱۹۹۹: ۷۸).

با توجه به مباحث مطرح شده باید اشاره کرد که؛ مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند؛ فرایندی که افراد جامعه به صورت جمعی، آگاهانه، داوطلبانه، و با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهم شدن آن‌ها در منافع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند و نمود عینی آن را در نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و نظایر آن می‌توان دید (غفاری، ۱۳۸۳: ۷۰).

احساس امنیت اجتماعی

بحث درباره امنیت اجتماعی و احساس ناشی از آن از پیشینه بسیار طولانی برخوردار است. گرچه طرح این مباحث در میان اندیشمندان باستان چندان تخصصی و محدود به زمینه‌های خاص نبوده است، اما بدون تردید آغاز بحث در رابطه با امنیت اجتماعی را می‌توان در مباحث

افلاطون، ارسطو و بعدتر در اندیشه‌های توماس هابز^۱ و ژان ژاک روسو^۲ و بالاخره سیر تاریخی آن را می‌توان از زمان شکل‌گیری گفتمان‌های امنیت ملی و ظهور نظریه‌پردازان رهیافت «رنالیسم سنتی» دنبال نمود (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۴). در مباحث پیرامون امنیت دو رهیافت عمده قابل تفکیک است: رهیافتی که به ارزش‌های عینی توجه دارد و دیگری که به ارزش‌های ذهنی معطوف است.

دو رهیافت نظری که بیشتر به ارزش‌های عینی بها می‌دهند به رهیافت دولت محور و قدرت محور مشهور هستند. مطابق این رویکردها، امنیت را می‌توان به عنوان وضعیتی که توسط قدرت برای صیانت مردم در قبال تهدیدات بیرونی، ایجاد می‌گردد تعریف نمود و مسئولیت برقراری چنین امنیتی به طور کلی بر عهده دولت است. در همین راستا باید اشاره کرد که رویکرد دولت محور و قدرت محور مبتنی بر تفکرات توماس هابز است، هابز معتقد بود انسان‌ها دارای ذاتی شرور می‌باشند و انشان گرگ انسان است. در این تعریف انسان‌ها تنها در پی کسب منافع خویش است و ارزش‌های انسانی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در این راستا آنچه که از اهمیت برخوردار است این است که کنترل انسان‌ها و برقراری نظم اجتماعی نیازمند دولتی قوی و وجود ابزار کنترل بیرونی امنیت اجتماعی است (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۸۹).

رهیافت نظری که بیشتر به ارزش‌های ذهنی و گروهی بها می‌دهند، به رهیافت جامعه محور و هویت محور مشهور است. این رهیافت معتقد است که تهدیدات، عمدتاً علیه ارزش‌ها و هویت‌های گروه‌های اجتماعی است و در نتیجه امنیت اجتماعی زمانی حاصل می‌گردد که گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها بتوانند به راحتی ابراز وجود نموده و ایده‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌های خود را مطرح کنند. مهم‌ترین منبع تحقق امنیت اجتماعی از منظر این رویکرد، خود جامعه و گروه‌های گوناگون موجود در آن است. این رویکرد امنیت اجتماعی یک گروه خاص در درون یک جامعه را با امنیت اجتماعی و حتی فراتر از آن با امنیت جهانی پیوند می‌زند و امنیت اجتماعی را به فراتر از تعهد دولت معطوف می‌سازد. رهیافت اخیر از لحاظ معرفت‌شناختی پس‌اپوزیتیویستی بوده و تعریف عینی و مشخصی از انسان ارائه نمی‌دهد، بلکه نگاهی فرهنگی و

1- Tomas Hobbes

2- john jack Russo

تعاملی به او معطوف می‌دارد (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). در این زمینه می‌توان به نظریه‌های زیر در رابطه با احساس امنیت اشاره کرد.

الف) باری بوزان^۱ برای نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد (روی، روی، ۱۹۹۶: ۳). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (بوزان؛ ویو، ۱۹۹۸: ۵-۴). در آراء بوزان حوزه‌ای از حیات که فرد خود را به واسطه مفهوم «ما» بدان متعلق می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند مورد نظر است. بنابر این هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد (بوزان، ۲۰۰۰: ۳). بوزان، نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌دارد که مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید نگاه کنند. به این ترتیب، نگاه تاریخی به پدیده‌های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز در این دیدگاه مطرح می‌شود، چرا که آن‌ها معتقدند که امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست و ارتباط انسانی و نقش هنجارها مهم و تأثیرگذار است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶).

ب) ال ویور^۲ در کتاب «هویت، مهاجرت و منشور جدید امنیت در اروپا» (۱۹۹۳) دست به مفهوم سازی مجدد از رهیافت پنج بعدی بوزان درباره امنیت زد (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). ویور «امنیت ساخته و پرداخته شده در اجتماع» را مطرح می‌کند. مدعای وی آن است که باید از رویکردی جامعه‌شناسانه به امنیت نگریسته شود و پس از تحلیل مبانی جامعه شناختی امنیت، به تعریف آن همت گمارد (مک کین لای؛ لیتل، ۱۳۸۰: ۴۸). بر این اساس ویور حوزه امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد (روی، ۱۹۹۶: ۱۱) و خاطر نشان می‌کند که افراد جامعه نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که امنیت و هویت‌شان را تهدید

1 Barry Buzan

2 Ole Waever

می‌کند احساس مسئولیت نداشته و آن‌ها را تنها به دولت واگذار نمایند (موتیمر، به نقل از نویدنیا، ۱۳۸۳: ۶۲). بدین ترتیب ویور نیز مانند بوزان بر لزوم مشارکت افراد در تأمین امنیت اجتماعی خود و جامعه صحنه گذارد.

ج) میران میتار^۱ برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل سیستماتیک استفاده می‌کند و در این کار بر نظریهٔ آنارشی اجتماعی بیلی^۲ تکیه می‌کند. وی تلاش می‌کند مسائل جامعه را بر اساس سطوح متفاوت (فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه، سیستم فراملی) تحلیل کند و از آنارشی (هرج و مرج) به جای تعادل^۳ به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری حالات نظام استفاده کند (میتار، ۱۹۹۶: ۹۷).

در تئوری آنارشی اجتماعی از شش متغیر کلان اجتماعی نام می‌برند که عبارتند از:

P= (Population) جمعیت

I=(Information) اطلاعات

S=(Space) فضا

T=(Technology) تکنولوژی

O=(Organization) سازمان

L=(Level of quality Of life) سطح کیفی زندگی

با توجه به شش متغیر بالا معادله زیر در تئوری آنارشی اجتماعی ساخته می‌شود:

$$L = F (P , I , S , T , O)$$

بر اساس معادله بالا که در آن F مخفف Function و نشان دهنده تابعیت L (سطح کیفی زندگی) از تمام عوامل (P, I, S, T, O) است می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که هر گروه اجتماعی اگر از میزان جمعیت، اطلاعات، فضا یا سرزمین، تکنولوژی و سازماندهی بیشتری برخوردار باشد از امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها که بهره کمتری از متغیرهای فوق دارند برخوردار است (همان: ۸-۷).

1 Miran Mitar

2 Bailey

3 Equilibrium

د) از نظر مولار^۱ امنیت جوامع آشکارا با امنیت سیاسی پیوند دارد، اما مجزا از آن است. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی که به دولت و حکومت-ها مشروعیت می‌بخشد مربوط می‌شود، اما امنیت اجتماعی به بقای گروه‌های اجتماعی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن در اندیشه، احساس و اعمال کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند که از آن به عنوان هویت یاد می‌شود. امنیت دولت در برگیرنده حاکمیت به عنوان معیار نهایی خود است، اما امنیت اجتماعی دربرگیرنده هویت است و هر دو آنان بر بقاء دلالت دارند (نویدینا، ۱۳۸۲: ۶۱).

تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرها

احساس امنیت اجتماعی: احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از این که ویژگی-های اساسی و ارزش‌های انسانی مورد تهدید قرار گیرند و یا به مخاطره افتند. هم چنین نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع می‌شود (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱).

احساس امنیت اجتماعی در این پژوهش به چهار بعد امنیت اقتصادی (مالی)، امنیت فردی (شخصی)، امنیت سیاسی و امنیت جامعه‌ای تقسیم شده است که این تقسیم بندی بر مبنای نظریه‌های بوزان و ویور درباره امنیت اجتماعی انجام گرفته است. بوزان و ویور با الهام از عقاید جان لاک به تحلیل ابعاد امنیت پرداخته اند. بوزان در جمله‌ای از جان لاک نقل می‌کند که: هدف اصلی انسان‌ها از این که خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند، حفظ دارایی آن-هاست. منظور از دارایی در این جا، «حیات» (امنیت جانی و جامعه‌ای)، «آزادی» (امنیت سیاسی) و «مایملک» (امنیت اقتصادی)، است که در حالت عادی فاقد امنیت هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴).

به علاوه بوزان تهدیدات را به سه نوع فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق، همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی، تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه) تقسیم می‌کند که بیانگر چهار بعد مزبور است (همان: ۵۵). برای عملیاتی

نمودن این ابعاد، مجموعاً از ۱۸ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. برخی از تعاریف مفهومی و عملیاتی هریک از ابعاد احساس امنیت اجتماعی به شرح زیر است:

(۱) احساس امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی به برخورداری افراد از درآمد پایه یا از طریق اشتغال درآمدزا یا به وسیله شبکه سلامت (تأمین) اجتماعی اطلاق می‌شود (باچبایی، ۱۳۸۴: ۴۲). لازمه امنیت اقتصادی داشتن شغل مطمئن و درآمدزا است. بر اساس گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ تهدیدها نسبت به امنیت اقتصادی عبارتند از «فقدان شغل مولد و درآمدزا، شغل‌های پر خطر، کمبود فرصت‌های شغلی سودمند و در خور پاداش، کمبود اشتغال ارزشمند و فقدان شبکه سلامت با پشتوانه منابع عمومی» (همان: ۴۳).

(۲) احساس امنیت فردی (شخصی): بر اساس تعریف گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ امنیت فردی (شخصی) به رهایی انسان از جنایت و خشونت و به ویژه رهایی زنان و کودکان از آسیب پذیری اطلاق می‌شود (باچبایی، ۱۳۸۴: ۴۲). به عبارتی دیگر امنیت فردی به معنای محافظت زندگی اشخاص از تهدید انواع خشونت توسط دولت و گروه‌های دیگر است. در این مورد می‌توان جرائم، تصادفات، تهدید زنان و سوءاستفاده از بچه‌ها را نیز نام برد (شینودا، به نقل از شفیع‌ی فینی، ۱۳۸۹: ۳۳).

(۳) احساس امنیت سیاسی: در گزارش توسعه انسانی آمده است امنیت سیاسی به حمایت انسان از انسان در برابر نقض حقوق بشر تعبیر می‌شود (باچبایی، ۱۳۸۴: ۴۲). از نظر شینودا امنیت سیاسی به معنای محافظت از حقوق افراد و دموکراسی‌سازی است (شینودا، اس‌میت^۲ به نقل از شفیع‌ی فینی، ۱۳۸۸: ۳۳). تهدیدهای امنیت سیاسی عبارتند از: سرکوب دولتی، نقض سازمان یافته و هدفمند حقوق بشر، توسل به شیوه‌های نظامی (باچبایی، ۱۳۸۴: ۴۴).

(۴) احساس امنیت جامعه‌ای (جمعی): بر اساس گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ امنیت جامعه‌ای به حرمت فرهنگی و آرامش و صلح درون جامعه که انسان در آن زندگی و رشد

1- Shinoda

2- Smith

می‌کند، اطلاق می‌گردد (باچبایی، ۱۳۸۴: ۴۲). تهدید اجتماعی در مورد تهدیدهایی مانند شیوه‌های سرکوب گرایانه و برخوردهای قومی در جوامع سنتی است (شینودا، اسمیت به نقل از شفیع فینی، ۱۳۸۸: ۳۲). بر اساس گزارش توسعه انسانی تهدیدهای امنیت جامعه‌ای عبارتند از: زوال خانواده، اضمحلال زبان‌ها و فرهنگ‌های سنتی، تبعیض و نزاع قومی، پاکسازی قومی.

شبکه مشارکت اجتماعی: از حیث مفهومی واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیر فعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

از منظر جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵).

مشارکت اجتماعی را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند؛ فرایندی که افراد جامعه به صورت جمعی، آگاهانه، داوطلبانه، و با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آن‌ها در منافع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند و نمود عینی آن را در نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و نظایر آن می‌توان دید (غفاری، ۱۳۸۳: ۷۰). ساختار روابط اجتماعی تعیین‌کننده فرصت‌ها و چالش‌های دسترسی به منابع است. خود این ساختار نیز محصول روابط و تعاملات است. شبکه‌ها به عنوان ساختار از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. پاتنام بین شبکه‌های رسمی و غیر رسمی تمایز قائل می‌شود. به نظر پاتنام هر جامعه‌ای (مدرن و سنتی، اقتدارگر، دموکراتیک، فتودالی یا سرمایه‌داری) از طریق شبکه‌های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۹۶). مطابق نظر پاتنام پیوندهای غیر رسمی شامل پیوستگی و ارتباط با خانواده، خویشاوندان، دوستان و همسایگان است در حالیکه پیوند رسمی شامل عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه است. در این پژوهش با توجه به نظریه پاتنام شبکه مشارکت

اجتماعی در قالب شبکه رسمی مشارکت و شبکه غیر رسمی مشارکت مورد بررسی و سنجش قرار گرفته‌اند.

خصوصیات شبکه‌های اجتماعی بر اندازه و ماهیت سرمایه اجتماعی مؤثرند با این حال در مطالعات سرمایه اجتماعی کمتر بررسی شده‌اند:

جدول (۱) انواع شبکه‌های رسمی و غیر رسمی

شبکه‌های غیر رسمی	شبکه‌های رسمی
× خانواده	× روابط مدنی فردی
× دوستان	- کارهای عام المنفعه
× همسایگان	× روابط گروهی / انجمنی
× خویشاوندان	- آموزش - داوطلبانه
	- موزیک / هنرها
	- فعالیت‌های مذهبی
	× روابط کاری
	× نهادی

(۱) شبکه‌های غیر رسمی: شبکه‌های غیر رسمی شامل پیوندها و روابطی است که افراد جامعه را به نهادهای غیر رسمی که دو مؤلفه در ایجاد آن قابل توجه اند الف) میزان شرکت در فعالیت‌های جمعی ب) وسعت شبکه دوستان و همسایگان، مرتبط می‌سازد. شرکت در فعالیت‌های جمعی عبارت است از: میزان شرکت فرد در فعالیت‌های جمعی مانند مراسم جشن عروسی یا عزاداری و جلسات مذهبی و فکری و امثال آنها که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در ارتباط با وسعت و اندازه شبکه نیز باید عنوان کرد که با توجه به این که تحقیقات اخیر بین سرمایه اجتماعی پیوند زنده، پل زنده و متصل کننده تمایز قائل شده‌اند می‌توان اندازه و وسعت شبکه روابط را با سرمایه اجتماعی پیوند زنده مترادف بدانیم (خوشفر، ۱۳۸۷: ۱۱۸). در این پژوهش برای سنجش شبکه‌های غیر رسمی پاسخگویان، سه سطح و مؤلفه مورد استفاده

قرار گرفته اند که عبارتند از: خانواده، خویشان، دوستان و همسایگان است. برای شاخص سازی این مفاهیم و مؤلفه ها نیز ۸ گویه مدنظر قرار گرفته شد. این گویه ها در قالب یک طیف لیکرت ۵ قسمتی طراحی شده اند که پاسخگو با جواب دادن به آن ها و در نظر گرفتن مجموع نمره، اندازه شبکه غیر رسمی خود را به ما نشان می دهد.

۲) شبکه های رسمی: شبکه های رسمی شامل آن دسته از روابط و پیوندهایی است که افراد را به مؤسسات و نهادهای رسمی مانند سازمان های داوطلبانه و نظایر آن مرتبط می کند. شبکه های مشارکت مدنی که توسط پاتنام نیز مطرح شده اند معرف مناسبی برای شبکه های رسمی فرد محسوب می گردد. پاتنام عضویت فرد در طیف انواع سازمان ها را به عنوان معرف سرمایه اجتماعی می داند (خوشفر، ۱۳۸۷: ۱۱۶). برای سنجش شبکه های رسمی در این پژوهش از مؤلفه های روابط مدنی فردی، روابط گروهی، انجمن های کاری و نهادها استفاده شده است. اطلاعات مربوط به شبکه های رسمی مبتنی بر نهادها و گروه ها از طریق سؤالاتی درباره عضویت فرد و مشارکت وی در گروه های تشکیل یافته رسمی از یک نوع یا انواع آن ها جمع آوری گردیده است. در مجموع برای اندازه گیری شبکه رسمی از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت ۵ قسمتی استفاده شده است.

روش پژوهش

این مطالعه حاصل یک پژوهش پیمایشی است که در سال ۱۳۹۱ در شهرستان کاشان انجام شده است. اطلاعات و داده های بدست آمده در این تحقیق، مبتنی بر استفاده از پرسش نامه بوده است که شامل سه بخش پرسش های زمینه ای، پرسش های مربوط به شبکه مشارکت و پرسش های مربوط به احساس امنیت اجتماعی می شود. نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار تحلیل داده ها Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از آمار توصیفی به منظور توصیف متغیرهای مورد نظر و از آمار تحلیلی برای تبیین و آزمون فرضیه های تحقیق استفاده شد. جامعه آماری ما را در این تحقیق، کلیه افراد بالای ۱۸ سال در شهر کاشان تشکیل می دهند که طبق سرشماری انجام گرفته در آبان ۱۳۹۰ بالغ بر ۳۲۳۳۷۱ نفر است که از این تعداد، ۲۱۵۱۰۰ نفر بالای ۱۸ سال هستند. روش نمونه گیری نیز به صورت خوشه ای چند مرحله ای بوده است.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

مطابق با اطلاعات جدول شماره (۲) از لحاظ جنسیت، زنان ۵۴ درصد جامعه آماری و مردان ۴۶ درصد از جامعه آماری را به خود اختصاص داده‌اند. پایین‌ترین سن ۱۸ و بالاترین سن ۶۰ سال است که انحراف معیار آن ۸/۱۶، میزان چولگی ۱/۶۶ و میزان کشیدگی ۲/۵۱ باشد. بیشترین فراوانی تحصیلی مربوط به مقطع لیسانس است که ۵۲/۱ درصد از جامعه آماری را به خود اختصاص داده‌است. از کل جامعه آماری که پاسخگو بوده‌اند، ۱۶۹ نفر متأهل و ۱۸۶ نفر مجرد بوده‌اند که به ترتیب ۴۷/۳ و ۵۲/۱ درصد از جامعه آماری را به خود اختصاص داده‌اند. طبق آمار، محصلین با ۱۹۴ نفر بیشترین درصد (۵۵/۴) و بازنشسته‌ها با تعداد ۴ نفر، کم‌ترین درصد (۱/۱) را در ارتباط با وضعیت شغلی به خود اختصاص داده‌اند. میزان هزینه در خانواده اکثر پاسخگویان (۱۵۰ نفر) بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان است و تعداد کمی از پاسخگویان میزان هزینه خود را بیش از ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان اعلام کرده‌اند.

جدول (۲) توزیع فراوانی مشخصات عمومی نمونه‌های آماری

توزیع داده‌ها		مؤلفه‌ها
مرد: ۱۶۵ نفر (۴۶٪)	زن: ۱۹۴ نفر (۵۴٪)	جنسیت
حداقل: ۱۸ حداکثر: ۶۰ میانگین: ۲۶/۰۴		سن
بی سواد: ۶ نفر (۱/۷٪)	زیر دیپلم: ۴۵ نفر (۱۲/۶٪)	تحصیلات
دیپلم: ۱۰۲ نفر (۲۸/۶٪)	لیسانس: ۱۸۶ نفر (۵۲/۱٪)	
فوق لیسانس: ۱۸ نفر (۵٪)	دکتر و بالاتر: ۰	
مجرد: ۱۸۶ (۵۲/۱) متأهل: ۱۶۹ (۴۷/۳) سایر: ۲ (۰/۶)		وضعیت تأهل
شاغل: ۹۴ نفر (۲۶/۹٪)	محصل: ۱۹۴ نفر (۵۵/۴٪)	شغل
بازنشسته: ۴ نفر (۱/۱٪)	بیکار: ۲۷ نفر (۷/۷٪)	
سایر: ۳۱ نفر (۸/۹٪)		

کمتر از ۲۵۰ هزار تومان: ۴۸ (٪۱۳/۸)	۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار تومان: ۱۵۰ (٪۴۳/۲)	میزان هزینه خانواده
۵۰۱ هزار تا ۷۵۰ هزار تومان: ۱۰۰ (٪۲۸/۸)		
۷۵۱ هزار تا ۱ میلیون و ۲۰۰: ۳۸ (٪۱۱)		
بیش از ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان: ۱۱ (٪۳/۲)		

جدول شماره (۳) توزیع دو متغیر اصلی این پژوهش یعنی شبکه مشارکت و احساس امنیت اجتماعی را برای ما نشان می‌دهد. مطابق با اطلاعات جدول باید اشاره کرد که ۳۱/۵ درصد پاسخگویان مشارکت اجتماعی خود را در حد بالا، ۴۲/۹ درصد پاسخگویان در حد متوسط و ۲۵/۶ درصد در حد پائین اعلام کرده‌اند. بنابراین مشارکت اجتماعی در اکثر پاسخگویان (۴۲/۹ درصد) در حد متوسط است. هم‌چنین در توصیف مفهوم احساس امنیت اجتماعی به صورت کلی نیز باید گفت که ۲۲/۱ درصد پاسخگویان احساس امنیت اجتماعی خود را در حد بالا، ۴۶/۷ درصد پاسخگویان در حد متوسط و ۳۱/۲ درصد در حد پائین اعلام کرده‌اند. بنابراین احساس امنیت اجتماعی در اکثر پاسخگویان (۴۶/۷ درصد) در حد متوسط است.

جدول (۳) توزیع فراوانی شبکه مشارکت و احساس امنیت اجتماعی

احساس امنیت اجتماعی		شبکه مشارکت اجتماعی		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۱/۲	۱۲۰	۲۵/۶	۹۲	پایین
۴۶/۷	۱۶۵	۴۲/۹	۱۵۴	متوسط
۲۲/۱	۷۸	۳۱/۵	۱۱۳	بالا
۱۰۰	۳۵۳	۱۰۰	۳۵۹	مجموع

یافته‌های استنباطی

جدول شماره (۴) نتایج به دست آمده از آزمون رابطه مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد. در آزمون فرضیه «بین مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد» به دلیل این که هم مشارکت اجتماعی و هم مفهوم احساس امنیت اجتماعی دارای توزیع نرمال است و در حد فاصله‌ای است بنابراین از آزمون پیرسون استفاده شده است و جدول (۶) نشان می‌دهد که بین مشارکت اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد ($r=0/110$ و $sig=0/019$) بنابراین می‌توان گفت که هرچه مشارکت اجتماعی افراد بالاتر رود میزان احساس امنیت اجتماعی آنها هم بالاتر می‌رود و هرچه مشارکت اجتماعی کمتر شود میزان احساس امنیت اجتماعی افراد نیز کمتر می‌شود که این مهر تاییدی بر تئوری پاتنام در این رابطه است. رابرت پاتنام معتقد است که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود (جاج، ۲۰۰۳: ۱). به باور پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت یافته را رواج داده و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را ممکن می‌سازند (پاتنام، ۱۹۹۵).

جدول (۴) آزمون رابطه بین شبکه مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی

متغیر		مشارکت اجتماعی	احساس امنیت اجتماعی
مشارکت اجتماعی	پیرسون Sig تعداد	۱ ۳۵۹	۰/۱۱۰ ۰/۰۱۹ ۵۳۵
احساس امنیت اجتماعی	پیرسون Sig تعداد	۰/۱۱۰ ۰/۰۱۹ ۳۵۳	۱ ۳۵۳

جدول شماره (۵) نتایج به دست آمده برای تحلیل رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای تحقیق با

احساس امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده از آزمون‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که هیچگونه رابطه معناداری بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و میزان هزینه خانواده) و احساس امنیت اجتماعی وجود ندارد و اگرچه تا حدودی بین میانگین میزان احساس امنیت اجتماعی در متغیرهای زمینه‌ای تفاوت وجود دارد اما این تفاوت از لحاظ آماری صحیح ناست.

جدول شماره (۵) رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و احساس امنیت اجتماعی

تأیید فرضیه	رد فرضیه	سطح معناداری	همبستگی	احساس امنیت اجتماعی متغیرهای زمینه‌ای	
	*	۰/۳۸۳	۰/۸۷۴	T	جنس
	*	۰/۴۸۲	۰/۰۳۱	Kendall's tau-c	سن
	*	۰/۷۲۲	۰/۵۱۹	F	مقطع تحصیلی
	*	۰/۲۴۰	۱/۴۳۲	F	وضعیت تأهل
	*	۰/۰۰۳	۳/۲۳۰	F	شغل
	*	۰/۰۰۴	۴/۶۴۰	F	میزان هزینه خانواده

تجزیه و تحلیل چند متغیره

در این بخش، از رگرسیون چند گانه به منظور تبیین مجموعه عوامل استفاده شده است. رگرسیون چند گانه روشی آماری است که در آن حضور متغیرها در تبیین متغیر وابسته در کنار هم سنجیده می‌شود. برای رسیدن به چنین هدفی از روش رگرسیونی گام به گام^۱ استفاده گردیده است. لازم به توضیح است که در روش گام به گام مجموعه متغیرها، وارد مدل می‌شوند و تنها متغیرهایی که اثرات بیشتر و معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته باشند، در مدل باقی می‌مانند. در انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره در این تحقیق در مجموع، از بین متغیرهایی که وارد معادله گردیدند، تنها متغیر مشارکت اجتماعی در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار

1- Stepwise

تشخیص داده شده و در معادله باقی ماند و سایر متغیرها از معادله خارج و حذف گردیده‌اند. نتایج مربوط به رگرسیون عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان با روش گام به گام در جدول شماره (۶) نشان داده شده است.

جدول (۶): نتایج ضریب تبیین احساس امنیت اجتماعی بر اساس رگرسیون گام به گام

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین خالص	اشتباه برآورد معیار
۱	۰/۳۱۱	۰/۱۳۱	۰/۱۱۷	۹/۴۹۰

مدل ۱- متغیر مستقل: مشارکت اجتماعی

بر اساس نتایج جدول شماره (۶)، متغیر مشارکت اجتماعی در شکل رگرسیونی باقی ماند. بطوریکه ضریب تعیین آن برابر ۳۵ درصد است. همچنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول شماره (۹)، خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F ، برای تعیین معنی داری اثر متغیرهای مستقل احساس امنیت اجتماعی برابر $۵/۴۵۴$ با سطح معنی داری $P = ۰/۰۰۱$ است.

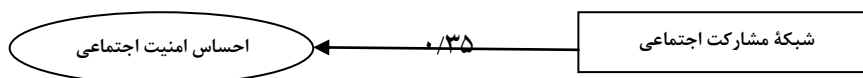
جدول (۷): تحلیل واریانس برای آزمون معنی داری شکل رگرسیونی

شکل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
رگرسیون	۵۰۹/۲۶۲	۱	۵۰۹/۲۶۲	۵/۴۵۴	۰/۰۰۱
باقیمانده ها	۲۹۲۷۵/۱۴۷	۳۲۵	۹۰/۰۷۷		
کل	۲۹۷۸۴/۴۱۰	۳۲۶			

جدول (۸): ضرایب اثر گذاری متغیرهای مستقل در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

Sig	t	ضرایب استاندارد	ضرایب خام		متغیر
		Beta	Std.Error	B	
۰/۰۰۰	۱۰/۷۹۲		۲/۹۵۷	۳۱/۹۱۰	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۲/۳۷۸	۰/۳۵۱	۰/۰۳۷	۰/۰۸۹	مشارکت اجتماعی

در مجموع، طبق اطلاعات جدول شماره (۸) و با توجه به بتای استاندارد شده، میزان اثر مشارکت اجتماعی ۰/۳۵ درصد است. بر اساس مدل، عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان عبارتند از:



شکل ۱- نمودار عوامل رگرسیونی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی

نتیجه گیری و پیشنهادات

جستجوی امنیت از مهمترین نیازها و انگیزه‌های انسانی است. مهم‌ترین نیاز هر جامعه خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک قوم یا کشور، برقراری امنیت جامعه و افراد آن است که مسئولیت تعقیب آن به عهده حکومت‌ها و دولت‌هاست. امروزه دولت‌ها به صورت مهم‌ترین واحد سیاسی در صحنه روابط داخلی و خارجی درآمده‌اند و مهم‌ترین هدف آن‌ها تلاش برای برقراری امنیت همه جانبه و گسترش دامنه آن است. از طرفی مردم نیز در رابطه با برقراری امنیت اجتماعی می‌توانند کمک حال دولت‌ها باشند. در این راستا، مشارکت اجتماعی افراد در زمینه‌های رسمی و غیر رسمی در یک جامعه می‌تواند عامل مهمی در تأمین و برقراری نظم و امنیت اجتماعی در یک جامعه باشد. امروزه دولت‌ها برای برقراری نظم و امنیت اجتماعی جامعه علاوه بر اعمال قوانین کیفری و سرمایه‌های همه جانبه در جهت آن باید از تشکلهای مردمی و مشارکت اجتماعی آحاد مردم نیز استفاده کند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شبکه مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی صورت گرفته است. فرضیه اصلی این تحقیق این بود که بین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و احساس امنیت آن‌ها رابطه وجود دارد، به نحوی که هرچه میزان مشارکت اجتماعی بالاتر باشد میزان احساس امنیت اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود.

نتایج توصیفی متغیر وابسته تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت اجتماعی در شهرستان کاشان در حد متوسط است. احساس امنیت ۳۱/۲ درصد افراد کم، ۴۶/۷ درصد متوسط و تنها ۲۲/۱ درصد افراد از احساس امنیت اجتماعی بالا برخوردار بوده‌اند. نتایج توصیفی متغیر مستقل تحقیق نیز بیانگر این مطلب است که میزان شبکه مشارکت اجتماعی در کاشان در حد متوسط است. مشارکت اجتماعی ۲۵/۶ درصد افراد پایین، ۴۲/۹ درصد متوسط و ۳۱/۵ درصد افراد از مشارکت اجتماعی بالا برخوردار بوده‌اند. در مباحث تبیینی و استنباطی و ارتباط متغیر مستقل تحقیق با احساس امنیت اجتماعی، نتایج جداول این تحقیق نشان می‌دهد که بین مشارکت اجتماعی شهروندان با احساس امنیت اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. درباره ارتباط متغیرهای زمینه‌ای تحقیق با احساس امنیت اجتماعی نیز نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و میزان هزینه خانواده) با احساس امنیت اجتماعی شهروندان هیچگونه رابطه معناداری وجود ندارد. ضمن اینکه نتایج تجزیه و تحلیل چندمتغیره نیز بیانگر این مطلب است که از بین متغیرهای مستقل موجود در این تحقیق تنها متغیر مستقل مشارکت اجتماعی توانسته است ۳۵ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی بعنوان متغیر وابسته تبیین کند.

ایجاد، حفظ و پاسداری امنیت نیازمند مشارکت و هم‌اندیشی تمام لایه‌ها و ساختارها و گروه‌های اجتماعی است. وجود امنیت اجتماعی و احساس امنیت در جامعه، به تربیت شخصیت‌های سالم اجتماعی منجر می‌شود؛ شخصیت‌هایی که روح جمع‌گرایی در آن‌ها تقویت شده است. در چنین حالتی، مشارکت در جامعه افزایش خواهد یافت و مردم حضوری مؤثر در اجتماعی پیدا خواهند کرد. برای ارتقای مشارکت اجتماعی و به تبع آن افزایش احساس امنیت اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که مهندسين فرهنگي و برنامه‌ريزان اجتماعي با زمينه‌سازي براي افزايش مشاركت در بين مردم در مناسبت‌هاي مختلف (جشن‌هاي گلريزان،

کمک به مستمندان در اعیاد اسلامی، استفاده از کمک‌های مردمی مختلف و به صحنه کشیدن مردم برای کارهای جمعی) گام مؤثری را در ارتباط با تأمین احساس امنیت اجتماعی در جامعه بردارند. با توجه به اینکه عوامل فرهنگی و ارزشی بر میزان مشارکت اجتماعی و متعاقب آن احساس امنیت تأثیرگذار است، بنابراین چنین ویژگی‌هایی باید در افراد جامعه تقویت شود. این امر در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست و نیازمند برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدتی است که باید از دوران کودکی آغاز شود. تغییر در محتوای برنامه‌ها و کتب آموزشی ابتدایی و متوسطه، و همچنین تهیه برنامه‌های خاص تلویزیونی و رادیویی از جمله اقداماتی است که می‌توان در این زمینه انجام داد. ضمناً از آنجا که انتقال ارزش‌های اجتماعی از طریق دستگاه‌های اجتماعی کننده و باز اجتماعی کننده مانند خانواده، مدرسه و رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد، باید از روش‌های مستقیم و غیر مستقیم ارزش مشارکت افراد را در تأمین امنیت جامعه مطرح کرد.

منابع

- ۱- ابراهیمی، نبی الله (۱۳۸۶). تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲.
- ۲- احمدی، حبیب؛ مرادی، گلرادی؛ آذرگون، زهره (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه توسعه انسانی، دوره اول، شماره چهارم.
- ۳- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- افشار، زین العابدین (۱۳۸۵). بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه تهران.
- ۵- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مریم وتر، تهران؛ انتشارات کویر.
- ۶- بوزان، باری (۱۳۷۸). «مردم، دولت‌ها و هراس»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

- ۸- چلبی، مسعود (۱۳۷۲). "وفاق اجتماعی"، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره سوم، صص ۲۷-۱۵.
- ۹- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی.
- ۱۰- خوشفر، غلامرضا (۱۳۷۸). "بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرستان‌های استان مازندران"، به سفارش دبیرخانه شورای تامین استان مازندران.
- ۱۱- ساروخانی، باقر؛ هاشم نژاد، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی (مؤلفه‌های آن) و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم.
- ۱۲- شفیعی فینی، حنا (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۳- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (ج اول)، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- ۱۴- علفیان، مسعود (۱۳۷۹). «مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری»، مجموع مقالات مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، همایش مدیریت توسعه پایدار، دانشگاه تبریز.
- ۱۵- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). «تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه تهران»، جامعه شناسی ایران، صص: ۶۷-۹۸.
- ۱۶- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱). «عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان در طرح های عمرانی»، فصلنامه سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سال دوم، شماره ۴.
- ۱۷- کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۴). «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، تهران: انتشارات گلپویه.
- ۱۸- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۱۹- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹). بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

- ۲۰- نادری، حمدالله (۱۳۸۳)، سنجش میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، تبریز.
- ۲۱- ناجا (۱۳۸۳). گزارش نظرسنجی «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین حاشیه نشینان تهران بزرگ به تفکیک مناطق». تهران: معاونت اجتماعی ارشاد فاتب.
- ۲۲- نبوی، سید عبدالحسین؛ حسین زاده، علی؛ حسینی، سیده هاجر (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی (۴۰).
- ۲۳- نصری، قدیر (۱۳۷۸). معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۴- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). شاخص‌های امنیت اجتماعی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ۲۵- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره مسلسل ۱۹.
- ۲۶- هرسیج، حسین؛ محموداوغلی، رضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه مشارکت سیاسی و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی، پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی، سال اول، شماره دوم.
- 27- Berton, Raymond, (1997). "Social Participation and Social Capital". Introductory Lecture at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal, Quebec, Canada.
- 28- Buzan, Barry; Wearver, Ole (1998). "Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan", Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- 30- Buzan, Barry (2000). "Security Studies: Beyond Strategy".
- 31- Helly, Denis, (1997) "Voluntary and Social Participation by people of Immigrant". Paper presented at the Second National Metropolis Conference, 23-26 November, Montreal, Quebec, Canada.
- 32- Judge, Robert (2003). "The difference that Gender makes" Social capital, Gender and Political Participation. Eyewitness Robert. University of Manitoba.
- 33- Lerner, Denial (1964). **The passing of Traditional society**, New York, The Macmillan com.

- 34- Lindstrom , Martin , Merlo , joan & Ostergren , Per-Olof , (2003). "**Social Capital and sense of insecurity in the Neighbour: a population- based multilevel analysis in Malmo , Sweden**" , Social Science & Medicine , Vole 5. P 1111 – 1120.
- 35- Mitar, Miran, (1996). **assessment of societal security in recent past and today**, college of
- 36- police and security studies, Slovenia.
- 37- Putnam ; R.D. (1995) ; **Bowling Alone : Americas Declining Social capital** ; Journal of Democracy.
- 38- Roe. Paul (1996). "**The Societal Security Dilemma**" Copenhagen peace research
- 39- institute (COPRI) Working papers.
- 40- Roe , paul (1996). " **The Societal Security Dilemma" Copenhagen peace research institute**" (COPRI) Working papers.
- 41- Rose, R. (1999). Getting Things Done in an Anti modern Society: social capital **Networks in Russia**. In Dasgupta & Serageliden (1999: 71-147).

